

سیدرسول موسوی^۱

منطقه قفقاز جنوبی هم دچار فزونی بحران و هم دچار تعدد طرح‌های مدیریت بحران است که نتیجه هر دو عدم یافتن راه‌حلی مناسب برای مدیریت بحران‌ها و منازعات منطقه‌ای است. وقتی منطقه حساسی همانند قفقاز که با بحرانهای بالقوه و بالفعل زیادی روبرو است بتواند در مسیر یافتن یک الگوی واحد امنیتی حرکت کند در مسیر افزایش بحران قرار خواهد گرفت و کشورهای منطقه با خطر درگیری‌های ناخواسته روبرو خواهند بود. در این مقاله ضمن بحث دربارهٔ ریشه‌های منازعات قفقاز جنوبی سازوکارهای امنیتی پیشنهاد شده توسط بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای مورد بحث قرار می‌گیرد و سرانجام پیشنهاد اصلی مقاله در این خصوص مطرح می‌گردد.

با استقلال جمهوری‌های آسیای مرکزی و قفقاز در سال ۱۹۹۱ فرصت جدیدی برای کشورهای منطقه و بازیگران بین‌المللی به وجود آمد تا منافع ملی خود را در منطقه باز تعریف کنند و معادله جدیدی در روابط خود با کشورهای تازه استقلال یافته به وجود آورند.

آمریکا، اروپا^(۱)، روسیه، ایران، ترکیه، چین، هند و پاکستان اصلی‌ترین کشورهای خواستار حضور در منطقه بودند که تلاش خاصی را برای برقراری روابط با کشورهای تازه استقلال یافته به عمل آوردند. البته تمامی این تلاش‌ها به صورت یکنواختی اعمال نگردید و هر کشوری با در نظر گرفتن اولویتهای استراتژیک، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی خود رابطه خود را با کشورهای منطقه تنظیم نمود و کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز نیز بنابه ملاحظات خاص و با توجه به شرایط و جایگاهشان در منطقه و بین همسایگان روابط خارجی خویش را تعریف نمودند.

۱. دکتر سیدرسول موسوی رئیس مرکز مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز است.

نتیجه آن که کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز خواسته یا ناخواسته در طیف‌بندی‌های استراتژیک منطقه‌ای و جهانی وارد گردیدند و برآیند این طیف‌بندی‌های استراتژیک نوعی توازن نسبی^(۲) را بین منافع کشورهای منطقه و بازیگران بین‌المللی ایجاد نمود.

مجموعه کشورهای بازمانده از شوروی به‌رغم مشابهت‌های زیادی که به لحاظ ساختاری با یکدیگر داشتند اما به جهت برخورداری از موقعیتهای ژئوپلیتیک و تاریخی مختلف راه کارهای متفاوتی را برای حفظ استقلال و تحکیم ثبات و امنیت خود انتخاب نمودند. به همین دلیل است که در حوزه مسایل امنیتی استراتژی‌های انتخاب شده توسط کشورهای آسیای مرکزی، قفقاز، حوزه بالتیک، روسیه، روسیه سفید و اوکراین استراتژی‌های متفاوت و گوناگون است و سازوکارهای مختلفی برای حفظ ثبات و امنیت پیشنهاد شده است.

سه کشور حوزه قفقاز جنوبی یعنی آذربایجان، ارمنستان و گرجستان به جهت موقعیت ژئوپلیتیک و سابقه تاریخی^(۳) ویژه خود در مسیر خاصی جهت برقراری ثبات داخلی و امنیت منطقه‌ای قرار گرفتند که آنها را در مجموع از سایر کشورهای بازمانده از شوروی متمایز گرداند. هرچند این کشورها در بسیاری از ساختارها و سازمانهای منطقه‌ای و بین‌المللی همانند دیگر کشورها وارد شدند و در تشکیلات مربوطه به کشورهای باقی مانده از شوروی نیز عضویت یافتند مع‌هذا واقعیتهای ژئوپلیتیک این سه کشور را در شرایط متفاوتی نسبت به دیگران قرار داد.

ژئوپلیتیک قفقاز^(۴) و بحرانهای آن

منطقه قفقاز که به جهت سکونت حدود ۵۰ گروه قومی به نام موزاییک اقوام مشهور شده است محدوده‌ای است به وسعت ۴۰۰ کیلومتر مربع و با جمعیتی در حدود ۲۲ میلیون نفر. این منطقه از شرق به دریای خزر و از غرب به دریای سیاه متصل بوده و شمال آن را دشتهای جنوب روسیه تشکیل شده و ایران و ترکیه در جنوب منطقه قفقاز قرار گرفته‌اند. موقعیت جغرافیایی یادشده برای قفقاز خود معرف اهمیت خاص این منطقه است که در طول تاریخ باعث گردیده

همیشه این منطقه محل رقابت و تعارض قدرتهای وقت گردد و در حال حاضر نیز این منطقه از یک سو در حد فاصل سه قدرت منطقه‌ای ایران، ترکیه و روسیه واقع شده و از طرف دیگر دو دریای مهم جهان (خزر و سیاه) را به هم می‌پیوندند به عبارت دیگر قفقاز هم به لحاظ شرقی - غربی و هم به لحاظ شمالی - جنوبی حدفاصل دو قاره اروپا و آسیا محسوب می‌گردد.

رشته کوه قفقاز که ۱۵۰۰ کیلومتر طول دارد سرزمین قفقاز^(۵) را به دو قسمت شمالی و جنوبی تقسیم می‌کند. شمال قفقاز شامل جمهوری‌های خودمختار داغستان، چچن، اینگوش، اوستیای شمالی، کاباردا - بالکار، قره‌چای - چرکس و آدیغه است که در ترکیب فدراسیون روسیه قرار دارند و قفقاز جنوبی شامل سه کشور مستقل آذربایجان، ارمنستان و گرجستان است.

موقعیت ژئوپلیتیک و ساختار جمعیتی خاص قفقاز باعث شده است که این منطقه درگیر بحران‌ها و منازعات گوناگونی باشد. برای بحران‌ها و منازعات قفقاز، ارقام و فهرستهای مختلفی ارائه می‌گردد. در یکی از این فهرست‌ها^(۶) شمار بحران‌های مختلف مجموعه کشورهای تشکیل‌دهنده شوروی پیشین بدون احتساب درگیری‌های موجود بین شوروی و کشورهای همسایه که بعداً به این کشورها به ارث رسید^(۷) تعداد ۱۶۸ درگیری و بحران برای کل جمهوری‌های تشکیل‌دهنده شوروی به ثبت رسیده که از این تعداد ۲۱ مورد متعلق به حوزه قفقاز جنوبی است. درگیری‌ها و بحرانهای خاص حوزه قفقاز جنوبی (بالقوه یا بالفعل^(۸)) به شرح زیر می‌باشد:

۱. انتقال بخشی از سوچی علیا به گرجستان؛
۲. پیدایش کنفدراسیون خلیقهای قفقاز از ترکیب جمهوری‌های خودمختار روسیه و مناطقی از گرجستان؛
۳. پیدایش جمهوری لژگیستان در مرزهای مشترک آذربایجان با داغستان؛
۴. پیدایش داغستان بزرگ با ترکیبی از سرزمینهای آذربایجان؛
۵. جدایی آبخازیا از گرجستان و الحاق آن به روسیه؛

۶. پیدایش جمهوری خودمختار اوستیای جنوبی در گرجستان؛
۷. لغو خودمختاری سرزمین اوستیای جنوبی؛
۸. جدایی اوستیای جنوبی از گرجستان و اتحاد آن با اوستیای شمالی و تشکیل اوستیای واحد؛
۹. لغو خودمختاری آجارها؛
۱۰. انتقال بخش جنوبی گرجستان (جاواختی‌ها) به ارمنستان؛
۱۱. انتقال بخش جنوبی گرجستان به آذربایجان؛
۱۲. اخراج اوستی‌ها از جنوب اوستیا؛
۱۳. اخراج آواره‌ها از گرجستان؛
۱۴. بازگشت ترک‌های مسختی (ترک‌های گرجی) به گرجستان؛
۱۵. انتقال بخشی از آذربایجان شمالی به گرجستان؛
۱۶. لغو خودمختاری قره‌باغ؛
۱۷. بحران قره‌باغ در شکل جدایی کامل (استقلال) قره‌باغ؛
۱۸. بحران قره‌باغ در شکل انتقال به ارمنستان؛
۱۹. خودمختاری تالش؛
۲۰. بحران کردهای آذربایجان؛
۲۱. بحران آوارگان آذربایجان؛

منازعات و بحرانهای فوق که مختص قفقاز جنوبی است صرفاً در سطح بحرانهای داخلی کشورهای حوزه قفقاز جنوبی قرار دارد و این در حالی است که به‌طور بالقوه احتمال درگیری در سطح دولتهای منطقه نیز وجود دارد مانند جنگ بین ارمنستان و آذربایجان و احتمال افزایش بحران بین ترکیه و ارمنستان و یا درگیری احتمالی بر سر مسایل مربوط به تعیین حدود دریای خزر.

افراط‌گرایی و اتخاذ سیاستهای تند ملی‌گرایانه در کشورهای منطقه با توجه به بافت قومیت‌ها و احتمال تندروی‌های دینی نیز از جمله خطرهای عمده برهم زننده ثبات و امنیت در قفقاز محسوب می‌شود. مطالعه تاریخ شوروی مؤید این نکته است که «مسایل ملی» همواره در رأس مسایل امنیتی شوروی بوده است. تعیین حدود جمهوری‌ها، جمهوری‌های خودمختار و سرزمینهای خودمختار همواره به شیوه‌ای بوده است که امکان مدیریت بحرانهای ملی برای مرکزیت شوروی (مسکو) فراهم باشد. با فروپاشی شوروی علی‌رغم استقلال جمهوری‌ها مسایل مربوط به جمهوری‌های خودمختار و سرزمینهای خودمختار حل نشده باقی ماند و با توجه به سوابق تاریخی، مسکو توانست به شیوه‌ای نفوذ خود را در این ساختارها حفظ نماید. نوع رابطه روسیه با ارامنه قره‌باغ و آبخازهای گرجستان نمونه‌های مهمی برای این موضوع می‌باشد.

پیوستگی بحرانهای قفقاز شمالی^(۹) با بحرانهای قفقاز جنوبی باعث می‌گردد که این منطقه همچنان در وضعیت بی‌ثباتی قرار داشته باشد. همان‌گونه که امروز شاهد هستیم یکی از دلایل بحران در روابط روسیه و گرجستان مسایل مربوط به حضور چین‌ها در درهٔ پانکیسی و حمایت روس‌ها از آجارها است. این وضعیت همچنین در مسایل فی‌مابین آذربایجان با روسیه در خصوص مسایل مربوط به قره‌باغ و داغستان صادق است.

در کنار بحرانهای داخلی قفقاز یک سلسله دیگر از بحرانهای منطقه بحرانهایی هستند که از بیرون بر منطقه تحمیل می‌گردند. این بحران‌ها از تعاریفی که قدرتهای جهانی از منافع ملی و منافع استراتژیک خود دارند ناشی می‌شود. هنگامی که آمریکا قفقاز را حوزه منافع استراتژیک^(۱۰) خود اعلام می‌نماید طبیعی خواهد بود که برای حفظ منافع استراتژیک خود به‌طور جدی اعمال سیاست نماید.^(۱۱) ناتو امنیت اروپا را بدون برقراری امنیت در قفقاز غیرممکن دانسته^(۱۲) و روسیه حفظ امنیت قفقاز را در چارچوب سرزمین‌های روسیه می‌داند.^(۱۳)

نتیجه تعاریف آمریکا، ناتو و روسیه از منافع استراتژیک و منافع امنیتی خود این است که

تحولات داخلی کشورهای حوزه قفقاز جنوبی و روابط دوجانبه و منطقه‌ای آنها بحثی داخلی و دوجانبه محسوب نگردیده و در چارچوب تحولات حوزه‌های وسیع‌تری مورد بحث قرار گیرد. سرانجام، بحث انرژی و خطوط انتقال نفت و گاز در این منطقه است که باعث گردیده توجه ویژه‌ای به این منطقه معطوف گردد. منابع نفت و گاز دریای خزر و خطوط انتقال انرژی که از منطقه قفقاز می‌گذرد باعث گردیده که موضوع امنیت قفقاز به عنوان موضوعی جهانی مورد توجه قرار گیرد و کشورهای منطقه استراتژی امنیتی خود را با استراتژی صادرات نفت و خطوط انتقال نفت و گاز گره بزنند. (۱۴)

اگر در اوایل دهه ۹۰ این بحث به صورت نظری مطرح می‌شد که آیا خطوط انتقال انرژی از حوزه قفقاز اقتصادی هست یا خیر؟ امروز به خوبی این موضوع روشن شده است که اساساً خطوط انتقال انرژی از قفقاز از جمله خط انتقال نفت از مسیر باکو - تفلیس - جیهان اهمیتی استراتژیک برای غرب دارد و پروژه اقتصادی صرف نیست و سرمایه‌گذاری استراتژیک محسوب می‌گردد.

نتیجه سرمایه‌گذاری استراتژیک حضور استراتژیک خواهد بود و این مسأله‌ای است که باید کشورهای منطقه آثار آتی آن را بخوبی مورد شناسایی قرار دهند.

سازوکارهای امنیتی در قفقاز جنوبی

به منظور مدیریت بحرانهای داخلی و منطقه و برقراری امنیت و ثبات در کشورهای حوزه قفقاز جنوبی و در راستای تعاریفی که کشورهای منطقه‌ای و فرمانطقه‌ای از امنیت ملی و منافع ملی و استراتژیک خود در قفقاز جنوبی دارند طرح‌های امنیتی مختلفی توسط کشورهای گوناگون مطرح شده است که می‌توان این مجموعه طرح‌ها را در سه الگوی امنیتی متفاوت دسته‌بندی کرد.

۱. الگوی قفقازی: در این الگو اساس امنیت کشورهای حوزه قفقاز متکی بر همکاری

خاص سه کشور حوزه قفقاز جنوبی بوده و معتقد است که می‌توان با تکیه بر نوعی هویت قفقازی و آفرینش و تقویت چنین هویتی امنیت را در منطقه برقرار نمود. براساس این الگو قفقاز یک منطقه حائل بین کشورهای همسایه (ایران - ترکیه - روسیه) بوده و ضرورت دارد جامعه جهانی منطقه قفقاز را به‌عنوان منطقه صلح به رسمیت بشناسد. البته آنچه در این طرح وجود دارد اما به صورت علنی مطرح نمی‌شود آن است که عملاً آمریکا و اروپا به نمایندگی از جامعه جهانی حفظ ثبات و امنیت منطقه را تضمین می‌نمایند.

ایده ادوارد شواردناده رئیس جمهور گرجستان در خصوص طرح «قفقاز صلح‌خواه» یا «خانه مشترک قفقاز» در راستای این الگو قرار دارد.

۲. **الگوی همکاری‌های منطقه‌ای:** در این الگو سه بازیگر اصلی قفقاز (آذربایجان، ارمنستان و گرجستان) در همکاری با کشورهای همسایه امنیت منطقه را تأمین می‌نمایند. برای همکاری‌های امنیتی در منطقه سازوکارهای مختلفی توسط کشورهای مختلف مطرح گردیده است که عبارتند از:

الف) ایده جمهوری اسلامی ایران: سازوکار امنیتی ۳+۳

در این ایده سه کشور حوزه قفقاز جنوبی در همکاری با سه کشور همسایه ایران، روسیه و ترکیه امنیت منطقه را تضمین می‌نمایند. تاکنون این ایده به صورت مشروح مورد بحث قرار نگرفته و بیشتر به صورت کلی مطرح گردیده است. مهمترین اقدام صورت گرفته در این خصوص سفر وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی ایران در بهار سال جاری به منطقه قفقاز جنوبی و مذاکره با مقامات این کشورها درباره طرح فوق بود که با واکنشهای متفاوت مقامات مربوطه مواجه گردید.

ب) ایده فدراسیون روسیه: سازوکار امنیتی ۳+۱ یا ۱+۱، ۱+۱، ۱+۱

در این طرح روسیه متکفل اصلی امنیت قفقاز محسوب می‌گردد و سه کشور حوزه قفقاز جنوبی به صورت یک‌جا یا به صورت منفرد در قرارداد همکاری امنیتی با روسیه امنیت داخلی

خود را تحصیل می‌نماید و روسیه تنها ضامن صلح منطقه محسوب می‌گردد. معنی دیگر این طرح بازگشت قفقاز به شرایط قبل از فروپاشی شوروی است. روس‌ها این‌گونه تصور می‌کنند که حضور دیگر کشورهای منطقه از جمله ایران و ترکیه در ترتیبات امنیتی قفقاز به زیان منافع استراتژیک روسیه در منطقه است.

نقش پنهان روسیه در برهم خوردن روند مذاکرات صلح قره‌باغ که به میانجیگری ایران صورت گرفته بود در همین راستا قابل تجزیه و تحلیل است.

ج) ایده ترکیه: سازوکار امنیتی ۳+۲

در این طرح روسیه و ترکیه تنها قدرتهای مؤثر و صاحب نفوذ در قفقاز تلقی شده و این چنین وانمود می‌گردد که ایران نقشی در برقراری صلح و تثبیت اوضاع نداشته است.

بنیان اساسی این طرح آن است که سه کشور حوزه قفقاز در همکاری با اتحاد روسیه و ترکیه امنیت منطقه را تحصیل می‌نمایند. البته ذکر این نکته ضروری است که ترکیه در مباحث عمومی و کنفرانسهای بین‌المللی که در خصوص مسایل قفقاز برگزار می‌گردد نقش با اهمیت جمهوری اسلامی ایران را مورد تأیید قرار می‌دهد.^(۱۷)

د) ایده آذربایجان: سازوکار امنیتی ۳+۳+۲

جمهوری آذربایجان معتقد است که امنیت قفقاز از طریق همکاری سه کشور اصلی حوزه قفقاز با سه کشور همسایه خود (ایران، روسیه و ترکیه) در کنار کار با آمریکا و اروپا میسر است. به عبارت دیگر جمهوری آذربایجان طرح پیشنهادی ایران را به اضافه حضور آمریکا و اروپا ضامن ثبات منطقه می‌داند. از نظر آذربایجان، آمریکا و اروپا ارکان مکمل حفظ امنیت قفقاز محسوب می‌گردند.

ه) ایده ارمنستان: سازوکار امنیتی ۳+۲

ارمنستان به جهت سابقه تاریخی اختلاف خود با ترکیه همچنین به جهت حمایت سنتی ترکیه از آذربایجان در جریان بحران قره‌باغ به‌طور کلی صلح منطقه را در از طریق

همکاری‌های مؤثر سه کشور اصلی حوزه منطقه قفقاز با دو کشور ایران و روسیه میسر می‌داند و معتقد است که ترکیه باید خارج از این سازوکار باشد.

۳. **الگوهای فرامنطقه‌ای:** الگوهای فرامنطقه‌ای حفظ امنیت در قفقاز سازوکارهایی هستند که امنیت منطقه را ورای همکاری‌های منطقه‌ای جستجو می‌کنند و یا این که امنیت منطقه را جزئی از امنیت مجموعه بزرگتری از کشورها تلقی می‌کنند. الگوهای فرامنطقه‌ای به دو گروه عمده تقسیم می‌شوند که هر یک شامل چند الگو می‌باشد.

گروه اول: مجموعه الگوهای غربی «امنیت پیوسته»^(۱۸)

این مجموعه الگوها از امنیت تعریفی موسع ارائه نموده و با عوامل تهدید امنیت در چارچوب یک استراتژی وسیع و همه‌جانبه مقابله می‌نماید. بحث گسترش پیمان ناتو به شرق، گسترش حوزه و دامنه فعالیت سازمان امنیت و همکاری اروپا و برنامه مشارکت برای صلح از جمله الگوهای فرامنطقه‌ای از نوع غربی برای حفظ امنیت قفقاز محسوب می‌گردند.

در این مجموعه الگوها تفکر اساسی مقابله با نفوذ طبیعی روسیه و ایران در منطقه است. در این الگوها، قفقاز ادامه طبیعی سرزمین اروپا و جزئی از حوزه تمدن اروپا تلقی می‌گردد و ترکیه به عنوان بخشی از ناتو محسوب می‌شود.

گروه دوم: مجموعه الگوهای «امنیت ناپیوسته»

این الگوها متکی بر همکاری کشورهای بازمانده از شوروی در یک مجموعه گسترده‌تر و حوزه‌ای وسیع‌تر از یک منطقه خاص می‌باشد. پیمان امنیت دستجمعی کشورهای مشترک المنافع^(۱۹) و گوام^(۲۰) را می‌توان از جمله این گروه نام برد.

نتیجه‌گیری

آنچنانکه از مطالب مطروحه در بخش اول این مقاله درباره تعدد بحران‌ها و منازعات منطقه قفقاز جنوبی و مطالب مطروحه در بخش دوم مقاله درباره طرح‌های امنیتی برای قفقاز

برمی آید این منطقه هم دچار تعدد بحران و هم دچار تعدد طرح‌های مدیریت بحران است که نتیجه هر دو عدم یافتن راه‌حلی مناسب برای مدیریت بحران‌ها و منازعات منطقه‌ای است. دلیل اصلی تعدد طرح‌های امنیتی وجود منافع متعارض و متضاد در منطقه است که باعث می‌شود هر بازیگر برای حفظ یا افزایش منافع خود الگوی خاصی را برای امنیت منطقه پیشنهاد نماید تا در آن الگو بتواند بیشترین منافع را حفظ یا کسب کند. اما وقتی منطقه حساسی همانند قفقاز که با بحران‌های بالقوه و بالفعل زیادی روبرو است نتواند در مسیر یافتن یک الگوی واحد امنیتی حرکت کند در مسیر افزایش بحران قرار خواهد گرفت و کشورهای منطقه با خطر درگیری‌های ناخواسته روبرو خواهند بود.

راه برون رفت از این وضعیت یافتن سازوکار مناسب برای برقراری گفتگو در منطقه درباره مسایل امنیت منطقه‌ای است. آنچه مسلم است در حال حاضر هیچ‌یک از الگوهای مطرح شده برای امنیت منطقه یا نمی‌تواند منافع کشورهای منطقه را تأمین نماید و یا این که تصویری که کشورهای منطقه از طرح‌های یاد شده دارند تصور اشتباهی است. لذا ضروری است در کنار یافتن سازوکار امنیتی مناسب تصورات اشتباه نیز تصحیح گردند و این کار ممکن نیست جز از طریق گفتگو.

با توجه به آنچه گفته شد به نظر می‌رسد قبل از صحبت درباره سازوکار مناسب برای امنیت منطقه ضرورت دارد سازوکاری برای گفتگو درباره مسایل امنیتی قفقاز شکل گیرد که به نظر می‌رسد تجربه کنفرانس امنیت و همکاری در اروپا که بعداً تبدیل به سازمان امنیت و همکاری در اروپا شد تجربه مفیدی باشد. تأکید بر این توضیح ضروری است که منظور از بهره‌گیری از تجربه کنفرانس امنیت و همکاری در اروپا بهره‌گیری از روند مذاکراتی و شکل‌گیری آن است نه بهره‌گیری از آن سازمان برای برقراری امنیت در منطقه.

در راستای یافتن سازوکار مناسب برای گفتگو درباره مسایل امنیتی قفقاز ضروری است

نکات ذیل مورد توجه قرار گیرد:

۱. مهمترین مشکل در امنیت منطقه قفقاز عدم وجود یک ایده مشترک برای امنیت منطقه است؛ لذا ضرورت دارد یک ایده و هدف مشترک برای امنیت منطقه قفقاز جنوبی تعریف گردد.

۲. ایده مشترک باید مبنای اصلی تحلیل‌ها و رفتارهای بعدی اعضا باشد و اعضا پیش‌شرط‌های تاریخی و سیاسی را کنار بگذارند.

۳. در امنیت منطقه قفقاز باید منافع اعضای منطقه و همسایگان مورد توجه قرار گیرد. حذف یکی از اعضای مؤثر و یا بی‌توجهی به منافع آن مانع تشکیل الگوی مناسب برای سازوکار امنیتی است.

۴. توسعه اقتصادی منطقه و بهره‌مندی اعضای مؤثر از توسعه اقتصادی مهمترین اصل مورد قبول برای اعضاء می‌باشد.

۵. منطقه قفقاز نباید منطقه‌ای بسته گردد بلکه باید منطقه‌ای ارتباط‌دهنده بین شمال و جنوب و شرق و غرب باشد.

۶. مشارکت در روندهای صلح‌سازی و پیشگیری از منازعات برای تمامی اعضای مؤثر منطقه میسر گردد.

۷. یک زبان خاص مذاکراتی برای شکل بخشیدن به سازوکار امنیتی در منطقه به وجود آید تا از مفاهیم گوناگون تعاریف واحد و مورد قبول همه به دست آید.

یادداشت‌ها

۱. کشورهای اروپا در دو شکل در کشورهای تازه استقلال یافته حضور یافتند. یکی در قالب کل اروپا و تشکیلاتهای اروپایی مانند اتحادیه اروپا و سازمان امنیت و همکاری اروپا و دیگری به صورت کشورهای اروپایی که از بین آنها آلمان، فرانسه و انگلیس کشورهای هستند که بیشترین حضور را در منطقه داشته‌اند.
۲. محور روسیه - ارمنستان در مقابل سیاستهای غرب‌گرایی آذربایجان در قفقاز و محور روسیه - تاجیکستان در مقابل سیاستهای غرب‌گرایی ازبکستان نمونه این توازن نسبی است.
۳. در کتاب ارمنستان، آذربایجان، گرجستان از استقلال تا استقرار رژیم شوروی ۱۹۱۷-۱۹۲۳ تألیف سرژ آفاناسیان ترجمه عبدالرضا هوشنگ مهدوی (تهران: معین ۱۳۷۰) شرح کامل چگونگی استقلال این سه کشور قفقاز جنوبی آورده شده است.
۴. در این مقاله به هیچ عنوان درصدد تعریف مبسوط ژئوپلیتیک قفقاز نیستیم و صرفاً در حد تعریفی کلی از آن بسنده می‌نماییم. خوانندگان محترم می‌توانند جهت کسب اطلاعات کافی نسبت به ژئوپلیتیک قفقاز به دو کتاب زیر مراجعه نمایند.
- بهرام امیراحمدیان، جغرافیای کامل قفقاز، تهران: انتشارات سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح، ۱۳۸۱.
- محمدحسین افشردی، ژئوپلیتیک قفقاز و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، تهران: سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، دانشکده فرماندهی و ستاد، ۱۳۸۱.
۵. از نگاه روسیه وقتی صحبت از قفقاز می‌شود منظور منطقه قفقاز شمالی می‌باشد که در قلمرو سرزمینی روسیه واقع شده است و حوزه قفقاز جنوبی از نگاه روس‌ها ماورای قفقاز نام دارد در حالی که در ایران و ترکیه هنگامی که صحبت از قفقاز می‌شود منظور حوزه قفقاز جنوبی و سه کشور آذربایجان، ارمنستان و گرجستان می‌باشد.
۶. مراجعه شود به: فهرست برخوردهای نژادی، ارضی و محلی در جمهوری‌های بازمانده از شوروی، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۱۲، زمستان ۱۳۷۴، صص ۲۹۸-۳۰۹.

۷. مانند درگیری‌های شوروی با چین که بعداً این درگیری‌ها به قزاقستان، قرقیزستان و تاجیکستان به ارث رسید و این سه کشور مجموعه اختلافات خود را با چین در قالب پیمان شانگهای حل و فصل نمودند.

۸. در این فهرست هم درگیری‌های جاری ذکر گردیده و هم از احتمال و زمینه‌های درگیری صحبت شده است.

۹. تعداد بحرانهای قفقاز شمالی نیز خود فهرست مطولی را تشکیل می‌دهد. در فهرست مربوط به برخوردهای نژادی ... (منبع شماره ۴) بحرانهای قفقاز شمالی بیش از ۲۰ مورد ذکر شده است که در بین آنها استقلال چچن، پیدایش جمهوری فدراتیو داغستان، ایجاد جمهوری بالکار - کاراچایوو، ایجاد جمهوری مستقل اینگوش و ایجاد جمهوری گورسکایا از مهمترین بحرانهای قفقاز شمالی ذکر شده است.

۱۰. آمریکا منافع خود را در سراسر جهان در قالب سه مفهوم منافع حیاتی، منافع استراتژیک و منافع اقتصادی تعریف می‌نماید. منافع حیاتی آمریکا عبارت است از آنچه که به امنیت ملی این کشور و امنیت شهروندان آمریکایی باز می‌گردد و منافع استراتژیک آن دسته از منافع هستند که مستقیماً امنیت ملی و امنیت شهروندان آمریکایی را تهدید می‌نمایند اما به‌طور غیرمستقیم در تأمین منافع حیاتی نقش کلیدی دارند. منطقه قفقاز در این تقسیم‌بندی در حوزه منافع استراتژیک آمریکا قرار می‌گیرد. مراجعه شود به:

Fairbanks, Charles and others. *Strategic Assesment of Central Eurasia*. (Washington.D.C: The Atlantic Council of the United States), 2001.

۱۱. در این خصوص مراجعه شود به مقاله زیر: برنداشارف، قفقاز و ناحیه خزر، «درک سیاست ایالات متحده»، ترجمه ملیحه مهدی‌زاده سراج، راهبرد، ش ۲۶، زمستان ۱۳۸۱، صص ۴۰۸-۴۲۱.

12. Frederik Coenc. NATO and South Caucasus. *Central Asia and the Caucosus*, 3 (21), 2003, pp.7-11.

۱۳. مراجعه شود به: اکبر مهدی‌زاده، نقش روسیه و ایالات متحده، در معادلات سیاسی - امنیتی حوزه دریای خزر، نگاه، ش ۲۰، اسفند ۱۳۸۰، صص ۶۷-۷۳.

۱۴. مراجعه شود به «ویژه‌نامه دریای خزر»، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۳۵، پاییز ۱۳۸۰.

15. Alexander Russetsky, Regional Security Issues View from Georgia, *Conflict Studies Research Centre*. No.39, July 2002, pp. 29-36.

۱۶. محمدحسین افشردی، ژئوپلیتیک قفقاز، صص ۲۹۵-۲۹۴.
۱۷. مراجعه شود به گزارش همایش «مسایل قفقاز: جستجوی راه‌حل‌ها» که در تاریخ ۱۹ و ۲۰ خرداد ۸۲ در شهر استانبول برگزار گردید. گزارش این همایش در بخش گزارشهای این شماره آورده شده است.
۱۸. منصور رحمانی، «توسعه نقش امنیتی ناتو و سازمان امنیت و همکاری اروپا در آسیای مرکزی و قفقاز». فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۲۲، تابستان ۱۳۷۷، صص ۲۲-۲۸.
- رابین بتی و راشل برانسون، «نشانه‌های مبهم ناتو در قفقاز و آسیای مرکزی»، ترجمه شهرام فرسای، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۳۳، بهار ۱۳۸۰، صص ۱۰۹-۱۳۸.
۱۹. به‌دنبال فروپاشی شوروی جهت جایگزینی تشکیلاتی بجای اتحاد شوروی، جامعه کشورهای مستقل مشترک‌المنافع CIS شکل گرفت. این مجموعه جهت مسایل امنیتی خود پیمان امنیت دسته‌جمعی (Collective Security Treaty) را در سال ۱۹۹۲ به امضا اعضای جامعه رسانید اما از همان ابتدا هم جامعه کشورهای مشترک‌المنافع و پیمان امنیت دسته‌جمعی با مخالفت بعضی از اعضا روبرو گردید. در حال حاضر کشورهای روسیه، بلاروس، قزاقستان، قرقیزستان، تاجیکستان و ارمنستان عضو پیمان دسته‌جمعی هستند. این پیمان سال گذشته در اجلاس دوشنبه به سازمان پیمان امنیت دسته‌جمعی تغییر نام داد.
۲۰. کشورهای گرجستان، اوکراین، آذربایجان و مولداوی که در مقابل تلاشهای مسکو جهت وارد ساختن این کشورها به پیمان امنیت دسته‌جمعی ایستادگی می‌کردند در اکتبر سال ۱۹۹۷ در حاشیه اجلاس سران شورای اروپا با امضای اعلامیه مشترکی در استراسبورگ، اتحادیه گوام «GUAM» را به‌وجود آوردند. ازبکستان در سال ۱۹۹۹ به این اتحادیه ملحق شد و اتحادیه به نام GUUAM (حرف اول نام کشورهای عضو) مشهور گردید. در این اتحادیه هرچند هیچ کشور غربی عملاً حضور ندارد مع‌هذا گرایش کلی این اتحادیه دوری از روسیه و گرایش به غرب است.